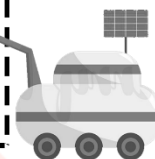


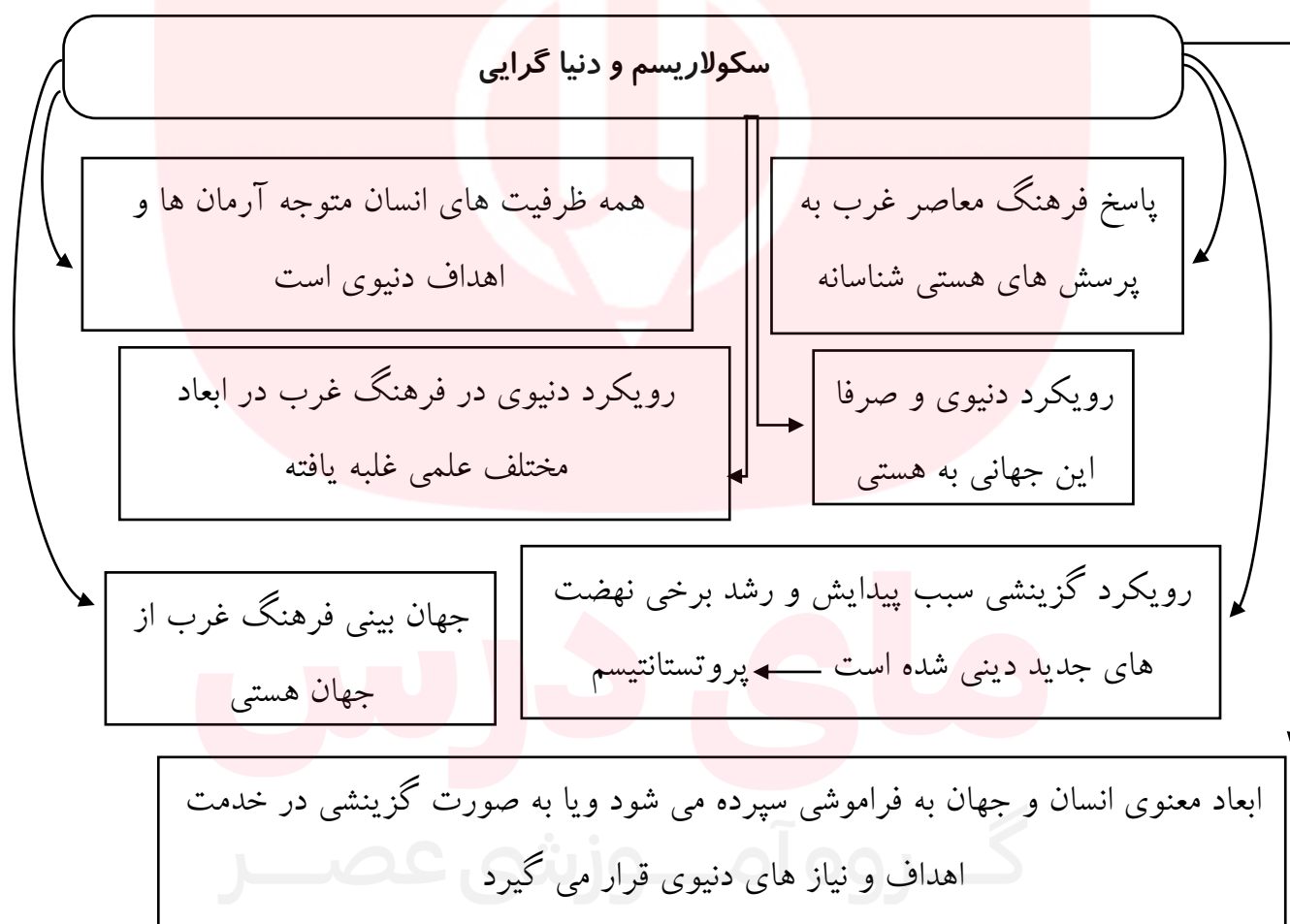


درس پنجم

باورها و ارزش‌های بنیادین فرهنگ غرب



اگر فرهنگ را به انسان تشبیه کنیم ← عقاید و ارزش‌ها : روح / پی و شالوده ساختمان / ریشه درخت
 ← هنجارها و نمادها : جسم



۱. سکولاریسم آشکار: صراحتاً ابعاد غیر مادی جهان هستی را انکار می‌کند.

۲. سکولاریسم پنهان: ابعاد معنوی هستی را نفی نمی‌کند / بخش‌هایی از باورهای معنوی را در خدمت

نظام دنیوی قرار می‌دهند.

تفاوت نگاه دینی با نگاه سکولاریسم به هستی : در فرهنگ معنوی آبادانی دنیا هدف مستقلی نیست بلکه وسیله ای است در خدمت به اهداف معنوی / مردم از آشکار کردن اینکه اهداف برتر خود را دنیا قرار داده باشند پرهیز می کنند/ در جهان غرب سکولاریسم به صورت جهان بینی غالب در آمده است به صورتی که دین داران رفتار های دینی خود را با تفاسیر دنیوی توجیه می کنند.

اومانیزم ← مهم ترین ویژگی انسان شناختی فرهنگ غرب

→ به معنای اصالت انسان دنیوی و این جهانی

→ نتیجه منطقی سکولاریسم

→ انسان موجودی صرفا این جهانی که اراده تصرف در دیگر موجودات و تسلط بر آنها را دارد

→ فرعونیت آشکار

→ انسان مدرن خواسته های دنیوی خود را بدون آنکه نیازی به توجه الهی و آسمانی داشته

باشد به رسمیت می شناسد.

در فرهنگ اسلامی

← انسان به عنوان برترین آیت و نشانه خداوند سبحان و خلیفه او روی زمین است

← بر اساس قرآن کریم : کرامت و خلافت انسان زمانی تحقق پیدا می کند که از

محدودیت های دنیوی فراتر رود و به خداوند نزدیک تر شود.

← اگر انسان به ابعاد دنیوی خود محدود شود به گمراهی گرفتار شده و حیاتی

حیوانی یا پست تر از آن را دارد.

← آدمیان ابعاد نفسانی و دنیوی خود را در سایه ابعاد معنوی پی می گیرند

← اگر افرادی هواهای نفسانی خود را دنبال کنند آن را به صورت آشکار اظهار نمی کنند و در قالب مفاهیم دینی پنهان می کنند.

فرعونیت آشکار: فرعون خود را انسانی دنیوی و طبیعی معرفی نمی کرد/ فرعون خود را در زمره

خداوندگاران قرار می داد/ انا ربکم الاعلاء : من پروردگار برتر شما هستم.

www.my-dars.ir

انسان شناسی هر فرهنگی متناسب با هستی شناسی آن فرهنگ است.

عصر مدرن	قرون وسطی	
بر بعد جسمانی و زیبایی‌های بدنی تمرکز می‌کند.	بر بعد معنوی و آسمانی انسان تاکید می‌کند/ چهره اسوه‌هایی را در هاله‌ای از ابهام رسم می‌کنند.	هنر
به حالات روانی آدمیان در زندگی روزمره دنیوی/ رمان بیشترین اهمیت را پیدا کرد.	اشاره به سلوک‌های معنوی و مکاشفات و مشاهدات الهی	ادبیات

حقوق	
فرهنگ اومانیزم	فرهنگ دینی
صورتی دنیوی و این جهانی دارد/ بر اساس خواسته‌ها، عادات و تمایلات طبیعی انسان	مبتنی بر فطرت الهی انسان و صورتی معنوی و آسمانی دارد

روش‌نگری

مهم‌ترین ویژگی معرفت‌شناختی فرهنگ معاصر غرب راه‌شناخت حقیقت و موانع شناخت آن را معرفی می‌کند در سده ۱۷ و ۱۸: رویکرد عقل‌گرایانه داشت/ وحی را نمی‌پذیرد ← دئیسم/ دئیسم: دین بدون شریعت، بدون مذهب (لامذهبی)/ خدایی که هیچ‌گونه برنامه‌ای برای هدایت و سعادت انسان ندارد.

در سده ۱۹ و ۲۰: صورت حس‌گرایانه پیدا کرد/ به شناخت حسی و تجربی محدود می‌شود شکل‌گیری نوعی علم تجربی سکولار/ توان داور در باره ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی را ندارد/ به صورت دانش‌ابزاری در خدمت اهداف دنیوی/ خواسته‌ها و آرزوهای دنیوی اصیل شمرده می‌شوند.

پایان قرن ۲۰: افول تجربه‌گرایی/ غرب گرفتار بحران معرفت‌شناختی شد/ امکان تشخیص درست یا غلط بودن باورها و اندیشه‌ها و یا خوب و بد هنجارها از بشر سلب می‌شود.

انواع روشنگری	
در معنای خاص	در معنای عام
<p>بر مبنای معرفت‌شناسی پذیرفته شده در فرهنگ غرب اطلاق می‌شود/ با سکولاریسم و اومانیسم همراه شده است/ صورت‌های مختلفی پیدا کرده است که وجه اشتراک همه آنها کنار گذاشتن وحی و شهود است.</p>	<p>پدیده‌ای مدرن و مربوط به فرهنگ معاصر غرب نیست/ انبیای الهی از دیرباز برای روشنگری آمده‌اند/ با استفاده از عقل و وحی و تجربه تفسیری دینی از انسان و جهان ارائه می‌دهند.</p>

روشنگری		
پیامد	ویژگی	دوره زمانی
دئیسم	عقل‌گرایی، نفی وحی	قرون هفدهم و هجدهم
دانش‌ابزاری	حس‌گرایی، نفی عقل و وحی	قرون نوزدهم و بیستم
بحران معرفتی	افول تجربه‌گرایی، نفی تجربه، نفی عقل و وحی	پایان قرن بیستم

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir

بخوانیم و بدانیم

در جهان هستی موجودات و پدیده‌های مختلفی وجود دارد که هر کدام با روش‌های مناسب خود شناخته می‌شوند. انسان امور محسوس مانند پدیده‌های طبیعی را از راه مشاهده و حس (دیدن، شنیدن، لمس کردن و...) می‌شناسد، اما امور غیرطبیعی، محسوس نیستند و نمی‌توان آنها را به کمک حواس شناسایی کرد. از این رو قوانین علمی، قضایای ریاضی و قوانین فلسفی را به کمک عقل و از راه استدلال عقلی می‌شناسیم. انسان علاوه بر شناخت حسی و شناخت عقلی از شناخت شهودی نیز بهره می‌برد. شناخت شهودی از راه مشاهده حسی و استدلال عقلی به دست نمی‌آید؛ مثلاً ما بدون مشاهده و استدلال، به غم و شادی درون خود یا محبت و تنفر نسبت به دیگران پی می‌بریم. شناخت شهودی، انواع و مراتبی دارد. وحی نوع خاصی از شناخت شهودی است که خداوند برای هدایت آدمیان به پیامبران اعطا کرده است. وحی الهی انسان را به استفاده از عقل فرا می‌خواند و به حس نیز به عنوان یکی از ابزارهای شناخت توجه می‌کند.

حس، عقل و وحی امکانات خدادادی هستند که بشر برای شناخت جهان هستی از آنها استفاده می‌کند. برخی فرهنگ‌ها مانع شکوفایی این امکانات می‌شوند.

مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir